

جایگاه حکیم ناصر خسرو

قبادیانی

در آثار عربی و جهان عرب

دکتر باقر قربانی‌زرین

سده‌های چهار و پنج هجری از حیث تکامل علوم عقلی و نقلی، از دوره‌های اثرگذار و ممتاز در تاریخ تمدن اسلامی به شمار می‌آید. ادیبان، شاعران و دانشمندان بزرگی در هریک از شعبه‌های علوم نقلی و عقلی ظهور کردند و حاصل زحمات سده‌های پیشین، در این دوران برداشته شد؛ به گونه‌ای که می‌توان این دوره را از انوار طلایی تاریخ علوم در جهان شمرد.^۱

ادیب و حکیم گرانمایه، ناصر خسرو قبادیانی (درگذشته: ۴۸۱ ق)، یکی از شخصیت‌های جامع این دوران است که در فرهنگ اسلامی - ایرانی نشو و نما یافته و آثاری گرانسنگ به یادگار گذاشته است. گفتنی است که فرهنگ قرآنی و ادبیات عربی در سده پنجم از جایگاهی والا برخوردار بوده است و نمی‌توان شاعری فارسی‌زبان را بی‌تأثیر از آن یافت. ^۲ به تعبیر تقی‌زاده: «حکیم ناصر خسرو در ادبیات عرب و عجم ید طولایی داشته ... و اشعار عربی و حتی دیوان عربی هم داشته است... و به عربی فصیح و زبان محاوره تسلط داشته.»^۳

حکیم ناصر خسرو در وصیتی که به برادر خود ابوسعید بن خسرو کرده، او را مأموریت داده که: «دو کتاب اشعار مرا به جهان شاه بن گبو یمگانی ده» که به تعبیر مرحوم آقابزرگ طهرانی، احتمالاً دو دیوان عربی و فارسی بوده و حکیم، خود، آن‌ها را مرتب گردانیده و به خط خود نگاشته بود.^۴

با مطالعه *دیوان اشعار ناصر خسرو*، به نام‌های شخصیت‌های مهم ادبیات عربی برمی‌خوریم؛ بزرگانی هم‌چون بختری، جریر، حاتم طایی، حسان بن ثابت، خلیل بن احمد فراهیدی، سبحان وائل و نابغه^۵ که نشانگر تأثیر سروده‌های آنان در سروده‌های ناصر خسرو است.^۶ رساله‌ای نیز به عربی، به حکیم ناصر خسرو منسوب است.^۷ افزون بر این مطالب، *سفرنامه ناصر خسرو* که بخش مهمی از آن به وصف مناطق عربی زبان از جمله عراق، مصر و عربستان اختصاص یافته، باعث شده که بسیاری از تاریخ‌نگاران و پویندگان سفرنامه‌ها در جهان عرب، به بررسی و تحلیل گفته‌های وی بپردازند و مقاله‌ها و کتاب‌های متعددی در این خصوص بنگارند و نیز ارباب ملل و نحل در بحث از کیش اسماعیلی و اسماعیلیان و فاطمیان مصر، به مناسبت از حکیم ناصر خسرو یاد کنند و برخی متکلمان نیز به اندیشه‌های کلامی حکیم بپردازند. به تعبیر برتلس: «حکمت و اخلاق ناصر خسرو، آثار باقی‌مانده او را نزد ملل و فرق گوناگون دنیا طی هزار سال عزیز و محترم کرده‌اند».^۸

آن‌چه در این نوشتار بدان اشاره می‌شود، بررسی، تبویب و دسته‌بندی این مطالب است که با بررسی و یادداشت‌برداری از آثار بسیاری فراهم آمده که فهرست آن‌ها در آخر مقاله آمده است.

ترجمه آثار حکیم ناصر خسرو به زبان عربی:

الف - سفرنامه ناصر خسرو:

دکتر یحیی خشاب آن را ترجمه کرده و در سال ۱۳۶۴ ق/ ۱۹۴۵ م. در قاهره به چاپ رسانده است. وی در مقدمه مبسوط این ترجمه (از صفحه الف تا ج، به ترتیب حروف ابجد) از اوضاع سیاسی - اجتماعی دوران ناصر خسرو و پیدایش فاطمیان و زندگی حکیم و ویژگی‌های کتاب *سفرنامه*، بحث کرده است. هم‌چنین ویکتور الکک، به گفته دکتر دسوقی شتا، در مقدمه ترجمه عربی *جامع‌الحکمتین*، ص ۴۸، *سفرنامه ناصر خسرو* را به عربی ترجمه و در بیروت به چاپ رسانده است. احمد خالدبدلی نیز *سفرنامه* را ترجمه کرده و در سال ۱۹۸۳ م. در ریاض آن را به چاپ رسانیده است.^۹

ب - جامع‌الحکمتین:

این کتاب را دکتر ابراهیم دسوقی شتا، با مقدمه و تعلیقات به عربی ترجمه

کرده و در سال ۱۹۷۷ در قاهره به چاپ رسانیده است. در مقدمه مسوط این ترجمه (در ۱۴۷ ص) آقای دکتر دسوقی شتا تاریخچه‌ای از فرقه اسماعیلیه، زندگانی ناصر خسرو و برخی مسائل سیاسی و اجتماعی آن دوران، عقاید و اندیشه‌های وی و ویژگی‌های کتاب جامع‌الحکمتین و مطالب فلسفی موجود در آن آورده است.

ج- برخی اشعار دیوان ناصر خسرو:

مصطفی غالب در اعلام الاسماعیلیه، ابیاتی برگزیده از پنج قصیده حکیم ناصر خسرو را به عربی ترجمه کرده است (از ص ۵۶۸ تا ۵۷۲). آقای عارف تامر نیز در مقاله «ناصر خسرو شاعر و رحاله و فیلسوف» که در مجله المشرق^۱ چاپ شده، پنج قطعه از اشعار ناصر خسرو را به عربی ترجمه کرده است. دکتر ابراهیم امین الشوابی هم که کتاب تاریخ ادبی ایران، اثر ادوارد براون را به عربی ترجمه کرده، چند قصیده ناصر خسرو را به عربی برگردانده است (از ص ۲۸۴ تا ۲۹۷).

۲- کتاب‌ها و مقالات به زبان عربی، درباره حکیم ناصر خسرو و آثارش:

الف- راجع به سفرنامه خسرو:

۱- بکار، یوسف، مقاله «بیت المقدس كما صورها ناصر خسرو في رحلته»^۱
 ۲- رمضان احمد، احمد، کتاب الرحله والرحاله المسلمون: در ص ۲۳۹-۲۴۰
 در این کتاب، مطالبی به اختصار درباره زندگانی ناصر خسرو و اوضاع سیاسی اجتماعی عصر وی آمده است. مؤلف، مطالب این قسمت را از ترجمه فرانسوی سفرنامه که دکتر یحیی خشاب چاپ کرده، نقل کرده است. وی سپس به خواب مشهور ناصر خسرو و تئیه وی اشاره کرده و به بررسی اجمالی آثار ناصر خسرو (از ص ۲۴۰ تا ۲۴۲) و در آخر، به مطالب سفرنامه و وصف‌های ناصر خسرو از بلاد اسلامی، به ویژه مصر پرداخته است (از ص ۲۴۳ تا ۲۴۹).

۳- زکی، محمدحسن، کتاب الرحاله المسلمون فی العصور الوسطی: مؤلف از ص ۵۶ تا ۶۳ کتاب را به ناصر خسرو اختصاص داده است. وی نخست به اختصار، به زندگی‌نامه ناصر خسرو اشارت کرده (ص ۵۶-۵۷) و سپس به بررسی سفرنامه و ویژگی‌های آن پرداخته است. وی در آخر (ص ۶۳) تصریح می‌کند که سفرنامه ناصر خسرو، از بسیاری مسائل اقتصادی، اجتماعی و سیاسی در سده پنجم هجری پرده برمی‌دارد. زکی در ص ۵۷ و ۶۳ تصریح می‌کند که از ترجمه فرانسوی سفرنامه که دکتر خشاب انجام داده، سود جسته است.

۴- زیاده، نقولا، کتاب الرحاله العربی: مؤلف در ص ۴۸ تصریح می‌کند که مقصد کتاب، جهانگردان عرب است، ولی به دلیل اهمیت سفرنامه ناصر خسرو، صفحاتی چند از کتابش را به ناصر خسرو (غیرعرب) و سفرنامه وی اختصاص داده است. مؤلف پس از شرح اجمالی زندگانی ناصر خسرو (ص ۴۸)، به سفرنامه وی اشاره می‌کند و از دقت در وصف و اطلاعات فراوان موجود در سفرنامه سخن می‌راند. همچنین، از دیدار ناصر خسرو با ابوالعلاء معری سخن به میان می‌آورد و درباره فاطمیان و مقر خلافت آنان بحث می‌کند و به ویژه مصر را از نگاه ناصر خسرو، به تصویر می‌کشد و بخشی از سفرنامه را که مربوط به مصر است، نقل می‌کند (ص ۴۹-۵۴).

۵- سالم، عبدالعزیز، کتاب التاریخ و المورخون العربی: مؤلف، مطالبی به اختصار درباره حکیم ناصر خسرو و سفرنامه وی آورده (ص ۲۱۸-۲۱۶) و بخشی از سفرنامه را که در وصف فسطاط مصر است، از ترجمه عربی دکتر خشاب نقل کرده است (ص ۲۷۴-۲۷۵).

۶- فهیم، حسین محمد، کتاب ادب الرحلات: مؤلف در ص ۱۴۷-۱۴۸، وصف میهمانی سلطان مصر را از سفرنامه ناصر خسرو، به عربی ترجمه و نقل

کرده و عنوان آن را «ناصر خسرو و المائده السلطانیه» گذاشته است.

۷- زکریانی محمد، کتاب آثار البیاد و اخبار العباد: مؤلف در ص ۴۹۰-۴۸۹، به وصف منطقه میگان پرداخته و به بناهای عجیب آن‌جا که پناهگاه ناصر خسرو بوده است، اشاره می‌کند و می‌گوید که ناصر خسرو در آن‌جا بناهای عجیبی پدید آورده که چگونگی ساخت آن‌ها دانسته نیست.

۸- کراتشکوفسکی، تاریخ‌الادب الجغرافی العربی: ترجمه عربی این کتاب کراتشکوفسکی را صلاح‌الدین عثمان هاشم انجام داده است. مؤلف روس کتاب، به اختصار به بررسی و وصف سفرنامه ناصر خسرو پرداخته و به اهمیت آن اشارت کرده است (از ص ۲۸۴ تا ۲۸۶).

۹- گابریلی، فرانچسکو (به عربی = جابریلی فرانشسکو)، مقاله «قاهره لناصر خسرو»: مؤلف مقاله، به معرفی و نقد کتاب سفرنامه پرداخته و وصف‌های ناصر خسرو را از قاهره (کاخ‌های خلیفه، بوستان‌ها، مساجد، بازارها و دکان‌ها) بیان کرده است.^۲

۱۰- گای، لسترانج، کتاب فلسطین فی العهد الاسلامی: این کتاب را محمود عمایره به عربی ترجمه کرده است. ترجمه عربی کتاب، در سال ۱۹۷۰ چاپ شده است.^۳

۱۱- متز، آدام، کتاب الحضاره الاسلامیه فی القرن الرابع الهجری: این کتاب را محمد عبدالهادی ابوریته به عربی برگردانده است. آدام متز در این کتاب، به مناسبت‌های مختلف از سفرنامه ناصر خسرو مطالبی عنوان کرده است. از آن‌جا که کتاب، فاقد فهرست‌های فنی است، یافتن مطالب آن دشوار است و از این‌رو، برخی مطالبی را که به هنگام مطالعه کتاب به آن‌ها دست یافتیم، در این قسمت می‌آوریم:

ج- ۲، ص ۶۵: متز درباره قرامطه بحث و به مناسبت، وصف ناصر خسرو را از منطقه «حساء» ذکر می‌کند.

ج- ۲، ص ۲۶۸-۲۶۹: وصف ناصر خسرو را از قاهره آورده است.

ج- ۲، ص ۲۷۱: وصف ناصر خسرو را از آب‌های نیشابور آورده است.

ج- ۲، ص ۳۰۵: درباره محصولات زیتون، عسل و شکر مصر، مطالبی از ناصر خسرو نقل کرده است.

ج- ۲، ص ۳۴۷: بحث جالبی درباره پوشش‌ها و لباس‌ها مطرح و به مناسبت، از سفرنامه مطالبی عنوان کرده است.

ج- ۲، ص ۳۷۵: درباره بازار صرافان اصفهان بحث و از ناصر خسرو نقل می‌کند که ۲۰۰ صراف در آن‌جا بوده‌اند.

ج- ۲، ص ۳۹۹: وصف ناصر خسرو را از پُلّی در مصر آورده است.

ج- ۲، ص ۴۰۰: وصف ناصر خسرو را از ارمینیه و دریاچه وان آورده است.

۲۱- مخلص، عبدالله، مقاله «تعلیق علی رحله ناصر خسرو القبادیانی».^۴

ب- فهرست‌های کتاب‌شناسی:

۱- بغدادی، اسماعیل پاشا، هدیه العارفین: بغدادی در ج ۶، ستون ۴۸۷ این کتاب، زادالمسافرین ناصر خسرو را معرفی کرده است. بغدادی وفات ناصر خسرو را سال ۴۴۴ اعلام کرده و عجیب آن‌که زادالمسافرین ناصر خسرو را که اثری جکمی است، همان سفرنامه وی دانسته است.

۲- بغدادی، اسماعیل پاشا، ایضاح المکنون: مؤلف همان مطالب منقول در هدیه العارفین را در این کتاب نیز آورده است.^۵

۳- حاجی خلیفه، کشف‌الظنون عن اسامی الکتب و الفنون: مؤلف در ج ۱، ستون ۹۱۵ روشنائی‌نامه ناصر خسرو و در ج ۲، ستون ۹۹۰ سعادت‌نامه وی را

معرفی کرده است. هم‌چنین در ج ۲، ستون ۹۹۱ از سفرنامه وی نام برده و عجیب آن که حاجی خلیفه، سفرنامه را اثری «منظوم» یاد کرده است و در همه جا سال وفات ناصر خسرو را ۴۳۱ دانسته است.

۴- حاجی خلیفه، تقویم التواریخ^{۱۶}

۵- طهرانی، آقا بزرگه الذریعه الی تصانیف الشیعه مؤلف در مجلدات گوناگون این اثر سترگ، درباره زندگانی و آثار ناصر خسرو بحث کرده و از چاپهای مختلف آثار او سخن رانده است که در ذیل، به طور خلاصه به اجمالی از مباحث فوق، اشاره می‌شود:

ج- ۷، ص ۲۷۴ از خوان/خوان بحث کرده است.

ج- ۸، ص ۱۵۱ از دستور اعظم در فقه بحث کرده است.

ج- ۸، ص ۲۶۰ از دلیل المتحیرین (اثر مفقود ناصر خسرو) بحث کرده و در ص ۲۶۱، برخی از آثار مفقود ناصر خسرو را نام برده است. آثاری هم‌چون کنزالحقائق، رساله در علم یونانی، سرگذشت، تفسیر قرآن، المستوفی در فقه، قانون اعظم در علوم غریبه، اکسیر اعظم در منطق و فلسفه، دستور اعظم، بستان العقل أو العقول.

ج- ۹، ص ۱۱۵۴-۱۱۵۵ از دیوان ناصر خسرو بحث کرده و به مناسبت، شرح حالی نیز از او به دست داده و سال وفات او را نیز ۴۸۱ دانسته است.

ج- ۱۱، ص ۲۷۲ از روشنایی نامه بحث کرده است.

ج- ۱۲، ص ۱۰-۱۱ از زادالمسافرین، سخن رانده و در ص ۱۸۱ از سعادت‌نامه و در ص ۱۹۰-۱۹۱، از سفرنامه و چاپها و ترجمه عربی آن بحث کرده است.

ج- ۱۸، ص ۲۰۸ از گشایش و راهبش بحث کرده است.

ج- ۲۵، ص ۴۱-۴۰ از وجه دین (= روی دین، فلسفه الاحکام) ناصر خسرو بحث کرده و ۵۱ گفتار آن را با تعداد رکعات نمازهای واجب و مستحب یومیّه و تعداد رسائل/خوان الصفا مطابق دانسته است.

۶- کتّاله، عمر رضا، معجم المؤلفین: مؤلف در ج ۱۳، ص ۷۰ از میان آثار متعدد حکیم ناصر خسرو به اکسیر اعظم اشاره و جالب آن که ناصر خسرو را «صفهانی» معرفی کرده است.

۷- نوری، میرزا حسین، خاتمه مستدرک الوسائل: اصل کتاب مستدرک الوسائل، درباره روایات مربوط به ابواب گوناگون فقه است، ولی خاتمه آن، مباحث ارزنده‌ای را در کتاب‌شناسی مطرح کرده است. مؤلف در ص ۲۵۴-۲۵۵ این کتاب، به مناسبت بحث از کتاب فقه‌الرضا و مؤلف آن، از ناصر خسرو بحثی به میان آورده تا نشان دهد در سده پنجم، این کتاب در دسترس افراد بوده است. ضمناً محدث نوری در ص ۲۵۵، سال درگذشت ناصر خسرو را ۴۸۲ دانسته است.

ج- آثار نگاشته شده درباره ملل و نحل:

۱- بدوی، عبدالرحمان، مناهب الاسلامیین: مؤلف در ج ۲ این کتاب، به تفصیل درباره قرامطه، اسماعیلیه و آرا و عقایدشان بحث کرده و از آثار اسماعیلیان و اندیشمندان اسماعیلی (= اعلام الفکر الاسلامی) سخن رانده^{۱۷} و به مناسبت در ص ۲۱۰ این مجلد، از ناصر خسرو و آثار وی بحثی به میان آورده است. کتاب روشنایی نامه ناصر خسرو در این صفحه از کتاب، به غلط به شکل «روشنانامه» آمده است.

۲- زکّار، سهیل، الجامع فی اخبار القرامطه: مؤلف به مناسبت، بخش‌هایی

از ترجمه عربی دکتر خشاب از سفرنامه ناصر خسرو را آورده و به وصف‌های ناصر خسرو از منطقه «احساء» (= حساء) پرداخته است، اوصافی هم‌چون بیابانی بودن منطقه، قصرهای حاکمان آن‌جا، اشتغال سی هزار نفر زنجی و حبشی در کشتزارهای آن منطقه، محصول خرماي آن‌جا و وضعیت وخیم بهداشتی آن منطقه.^{۱۸}

۳- سامی النشار، علی، نشأه الفکر الاسلامی: مؤلف در مجلد دوم این کتاب، از ناصر خسرو و دعوت او به اسماعیلیه بحث کرده و این‌که فرقه «ناصریه» به دست وی تأسیس شده است. وی عقاید ناصر خسرو را نیز کاملاً اسماعیلی و آمیخته با دیدگاه‌های ارسطو در مسائل طبیعی می‌داند و درباره برخی دیدگاه‌های فلسفی - کلامی ناصر خسرو درباره «عقل و علت»، بحث و بررسی می‌کند.^{۱۹}

۴- فخر رازی، اعتقادات فریق المسلمین و المشرکین. مؤلف در ص ۱۰۷ این کتاب، ناصر خسرو را شاعری گمراه معرفی کرده و فرقه ناصریه را پیروان ناصر خسرو دانسته است.

د- رجال و شرح حال:

۱- اقدسی، میرزا عبدالله، ریاض العلماء و حیاض الفضلاء. مؤلف در این کتاب، نسب‌نامه‌ای موهوم از ناصر خسرو می‌آورد و به اختلاف رأی مردم درباره وضعیت ایمان ناصر خسرو اشاره می‌کند.^{۲۰}

۲- امین، سید محسن، اعیان الشیعه: مؤلف، شرح حال مفصلی از حکیم ناصر خسرو آورده و درباره ۱۶ اثر ناصر خسرو می‌گوید که ۹ اثر قطعاً از اوست و بقیه منسوب بلوست.^{۲۱}

۳- حمیده، عبدالرحمان، اعلام الجغرافیین العرب: مؤلف به اختصار، شرح حالی از ناصر خسرو آورده و سپس به بحث از سفرنامه وی پرداخته و بخش‌هایی از سفرنامه را آورده که در وصف مصر و جزیره العرب است.^{۲۲}

۴- خشاب، یحیی، سفرنامه، ترجمه عربی سفرنامه ناصر خسرو: مترجم در مقدمه کتاب (از صفحه الف - ز)، درباره زندگانی ناصر خسرو و اوضاع سیاسی - مذهبی عصر وی بحث کرده است.

۴/۱ - همو، در مقاله «ناصر خسرو الرجل والحقیقه» که در یادنامه ناصر خسرو^{۲۳} به چاپ رسیده است، درباره اوضاع سیاسی، اجتماعی و فرهنگی ناصر خسرو و رخدادهای مهم زندگانی وی، مسئله فاطمیان در مصر و بالاخره پی‌جویی ناصر خسرو برای یافتن حقیقت، بحث می‌کند.

۵- خوانساری، محمدباقر، روایات الجنات فی احوال العلماء والسادات: مؤلف در این کتاب^{۲۴}، مطالبی را درباره زندگی ناصر خسرو به اجمال آورده و به تسلط ناصر خسرو در «علوم غریبه» اشاره کرده که مستند نیست.

۶- طهرانی، آقابزرگ، طبقات اعلام الشیعه (= التابس فی القرن الخامس): مؤلف در این کتاب^{۲۵}، زندگی‌نامه ناصر خسرو را آورده و به معرفی اجمالی آثارش پرداخته است.

۷- غالب، مصطفی، اعلام الاسماعیلیه: مؤلف، شرح حالی از ناصر خسرو آورده و به معرفی تفصیلی آثارش پرداخته است.^{۲۶}

۸- قمی، عباس، سفینه البحار و مدینه الحکم والآثار: مؤلف در این کتاب، مطالب ریاض العلماء را به نقل از آن‌جا آورده است.^{۲۷}

۹- تمازی شاهرودی، علی، مستدرک علم رجال الحدیث: مؤلف، مطالبی را از روایات الجنات و وقایع البیروندی نقل کرده که استناد مطالب، محل نظر است.^{۲۸}

هـ. موسوعه [= دانشنامه] های عربی:

- ۱- اعلیٰ حائری، محمدحسین، دایره المعارف الشیعیه العامه: مؤلف به اختصار، مطالبی درباره حکیم ناصر خسرو و تسلط او بر علوم غریبه گفته و بخشی از سروده‌های او را که دال بر تشیع اوست، آورده است.^{۲۶}
- ۲- امین، سید حسن، الموسوعه الاسلامیه: مؤلف شرح حال ناصر خسرو را آورده و در پایان می‌گوید: «وله اشعار باللغه العربیه»، ولی سندی برای این گفته ذکر نمی‌کند.^{۲۷}
- ۳- غربال، محمد شفیق (باشراف)، الموسوعه العربیه المیسره: در این کتاب، شرح حالی به اجمال از ناصر خسرو آمده و ناصر خسرو از بزرگترین شاعران فارسی زبان و مؤسس «فرقه ناصریه» معرفی شده است.^{۲۸}
- ۴- المنجد فی الاعلام: ذیل عنوان «ناصر خسرو»، معرفی کوتاهی از زندگی و آثار ناصر خسرو آورده است.^{۲۹}
- ۵- الموسوعه العربیه العالمیه: به اختصار شرح حال ناصر خسرو را بیان داشته و به حوادث مهم زندگانی وی و سفرنامه و ویژگی‌های آن پرداخته است.^{۳۰}

و- کتاب‌هایی به عربی درباره زبان و ادب فارسی:

- ۱- براون، ادوارد، تاریخ الادب فی ایران من الفردوسی الی السعدی: این کتاب را دکتر ابراهیم امین الشورابی به عربی برگردانده و حدود ۴۰ صفحه آن درباره ناصر خسروست که شامل زندگی‌نامه ناصر خسرو، آثار وی، بررسی کتاب سفرنامه و وصف قاهره در آن، بررسی دیوان ناصر خسرو، آرا و اندیشه‌های دینی ناصر خسرو، برخی اشعار الحادی (کفرآمیز) منسوب به وی و روشنائی‌نامه است.^{۳۱}
- ۲- الشابی، علی، الادب الفارسی فی العصر الغزنوی: مؤلف در بحث از نثر فارسی در سده پنجم، به اختصار به سه کتاب ناصر خسرو (سفرنامه، زادالمسافرین، وجه دین) اشاره کرده است.^{۳۲}
- ۳- محمدی، محمد، الادب الفارسی فی اهم ادواره و اشهر اعلامه: مؤلف در این کتاب، جایگاه ناصر خسرو را در شعر حکمت و وعظ بررسی کرده و به بررسی اجمالی تألیفات ناصر خسرو بر اساس مسائل دینی، فلسفی، منطقی و اجتماعی پرداخته است.^{۳۳}

منابع و مأخذ

- طهرانی، آقابزرگ.

- ۱- اعلیٰ حائری، محمدحسین: دایره المعارف الشیعیه العامه، موسسه الأعلمی للمطبوعات، بیروت ۱۹۹۳/۱۴۱۳
- ۲- افشار، ایرج: فهرست مقالات ایران‌شناسی در زبان عربی، انجمن کتاب، تهران [۱۳۵۶]
- ۳- افندی، میرزا عبدالله: ریاض العلماء و حیاض الفضلاء، ج ۵، تحقیق سیداحمد حسینی، قم ۱۴۰۱
- ۴- امین، حسن: الموسوعه الاسلامیه، ج ۶، دارالتعارف للمطبوعات، بیروت ۱۹۸۰/۱۴۰۰
- ۵- امین، سیدمحسن: اعیان الشیعه تحقیق حسن امین، دارالتعارف للمطبوعات، بیروت ۱۴۰۳/۱۹۸۳
- ۶- بلوی، عبدالرحمان، مذاهب الاسلامیین، دارالعلم للملایین، بیروت ۱۹۷۳
- ۷- براون، ادوارد: تاریخ الادب فی ایران من الفردوسی الی السعدی، نقله الی العربیه دابراهیم امین الشورابی، مکتبه الثقافه الدینیه، قاهره ۲۰۰۴/۱۴۲۴
- ۸- برتلس، آی: یادنامه ناصر خسرو
- ۹- بغدادی، اسماعیل پاشا: ایضاح المکنون فی الذیل علی کشف الظنون، وکاله المعارف، استانبول ۱۳۶۴ ق / ۱۹۴۵

پی‌نوشت:

- ۱- الحصاره الاسلامیه ... متر، ج ۱، ص ۳۶۸ - ۳۳۳ و ص ۴۲۱ - ۳۶۸ و ص ۴۹۱-۴۹۶/حادیث مثنوی، فروزانفر، صفحه ۵ و ۶: تاریخ ادبیات در ایران، صفا، ج ۱، ص ۲۵۹-۲۷۹
- ۲- محقق، تحلیل اشعار ناصر خسرو، ص ۱-۲
- ۳- مقدمه بر دیوان ناصر خسرو، تقی‌زاده، ص ۱۹-۲۰
- ۴- النریعه، ج ۹، ص ۱۱۵۵: محقق، همان، ص ۳۱۲-۳۰ و قیاس شود با: ناصر خسرو لعل بدخشان، هانسبرگر، ص ۲۲۸
- ۵- دیوان اشعار ناصر خسرو، به تصحیح مینوی و محقق، ص ۵۵۵-۵۶۷، ذیل این نامها
- ۶- تفصیل مطلب را در این منابع خواهید یافت: با کاروان حله، زرین کوب، ص ۹۹؛ صفا، همان، ج ۲، ص ۴۵۴؛ محقق، همان‌جا؛ صور خیال در شعر فارسی، شفیعی کدکنی، ص ۳۳۶، ۳۷۰، ۶۵۵-۵۵۷
- ۷- تقی‌زاده، همان‌جا، ص ۶۷؛ کتاب‌شناسی حکیم ناصر خسرو قبادیانی، میرانصاری، ص ۹۱-۹۳
- ۸- یادنامه ناصر خسرو، ص ۹۹

هو، هداية العارفين، دارالفكر ١٤٠٢/١٩٨٢

تامر، عارف: مقاله «ناصر خسرو شاعر و رحالة و فيلسوف، مجله المشرق، بيروت ١٩٥٦

تقي زاده، سيدحسن: مقلمه بر ديوان ناصر خسرو، به تصحيح سيدنصرالله تقوي و محتبي ميني، دنياي كتاب تهران ١٣٧٢ ش

جايريللي فرانسسكو - كابريلي فرانسسكو

حاجي، خليفه: كشف الظنون في اسامي الكتب و الفنون، دارالفكر ١٤٠٢/١٩٨٢

حميده، عبدالرحمان: اعلام الجغرافيين العرب، دارالفكر، دمشق ١٤٠٤/١٩٨٤
خشاب، يحيى: سفرنامه (ترجمه عربي سفرنامه ناصر خسرو)، قاهره ١٣٤٤/١٩٢٥ - نيز يادنامه ناصر خسرو

خوانساري، محمدباقر: روضات الجنات في احوال العلماء و السادات، تحقيق اسدالله اسماعيليان، قم و تهران [بي تا]

دسوقي شتا، ابراهيم، جامع الحكميين (ترجمه به عربي)، جامعه القاهره ١٩٧٧
رمضان احمد، احمد، الرحله و الرحاله المسلمون، دارالبيان العربي، جده [بي تا]

زرين كوب، عبدالحسين، باكاروان حله، چاپ ششم، انتشارات علمي، تهران ١٣٧٠

زكار، سهيل: الجامع في اخبار القرامطه، دار حسان، دمشق ١٤٠٧/١٩٨٧

زكي، محمدحسن: الرحاله المسلمون في العصور الوسطى، دارالمعارف، مصر ١٩٤٥

زياده، نقولا: الرحاله العرب، دارالهلال، مصر ١٩٥٦
سالم، عبدالعزيز: التاريخ و المؤرخون العرب، دارالنهضة العربي، بيروت ١٤٠٦/١٩٨٦

سامي النشار، علي: نشأه الفكر الفلسفي في الاسلام، دارالمعارف، مصر ١٣٨٥/١٩٦٥

شابي، علي: الادب الفارسي في العصر الغزنوي، تونس ١٩٦٥
شفيقي كدكني، محمدرضا: صور خيال در شعر فارسي، انتشارات آگاه، تهران ١٣٧٢

صفا، ذبيح الله: تاريخ ادبيات در ايران، كتابفروشي ابن سينا، تهران ١٣٣٩
طهراني، آقاابزرگ: الذريعه الي تصانيف الشيعة، دارالاضواء، بيروت [بي تا]

همو: طبقات اعلام الشيعة (= الناس في القرون الخماس)، تحقيق علي تقوي منزوي، دارالكتاب العربي، بيروت ١٣٩١/١٩٧١

غالب، مصطفي: اعلام الاسماعيليه، داراليقظه العربي، بيروت ١٩٦٤

غربال، محمد شفيق (باشراف): الموسوعه العربيه الميسره، دار احياء التراث العربي، بيروت ١٤٠٧/١٩٨٧

فخر رازي: اعتقادات فرق المسلمين و المشركين، تحقيق محمدالمعتصم بالله البغدادي، دارالكتاب العربي، بيروت ١٤٠٧/١٩٨٦

فروزانفر، بديع الزمان: احاديث مثنوي، انتشارات اميركبير، تهران ١٣٦٦

فهييم، حسين محمد: ادب الرحلات، عالم المعرفه، كويت ١٩٨٩/١٤٠٩
قزويني، زكريا بن محمد: آثار البلاد و اخبار العباد، داربيروت للطباعة و النشر، بيروت ١٤٠٤/١٩٨٤

قسي، عباس: سفينه البحار و مدينه الحكم و الآثار، دارالاسوه للطباعة و النشر، تهران ١٤١٤

كحاله، عمررضا: معجم المؤلفين، دار احياء التراث العربي، بيروت [بي تا]

كراتشكوفسكي: تاريخ الادب الجغرافي العربي، نقله عن الروسيه: صلاح الدين

عثمان هاشم، دارالعرب الاسلامي، بيروت ١٤٠٨/١٩٨٧

گابريلي، فرانسسكو: مقاله «فاهره الناصر خسرو»، ابحت السنوه الدوليه لتاريخ القاهره، الجمهوريه العربيه المتحده، وزاره الثقافه (مارس - ابريل)، مطبعه دارالكتب، ١٩٧١

متز، ادام: الحضاره الاسلاميه في القرن الرابع الهجري، نقله الي العربيه؛ محمد عبدالهادي ابوريده، قاهره ١٣٧٧/١٩٥٧

محقق، مهدي: تحليل اشعار ناصر خسرو، چاپ چهارم، دانشگاه تهران ١٣٦٣

محمدي، محمد: الادب الفارسي في اهم ادواره و اشهر اعلامه، بيروت ١٩٦٧

المنجد في الاعلام، دارالمشرق، بيروت، چاپ افست، انتشارات اسماعيليان، تهران [بي تا]

الموسوعه العربيه العالميه، الطبعة الثانيه، رياض ١٤١٩/١٩٩٩



الموسوعه العربيه الميسره - غربال، محمد شفيق.

ميرانصاري، علي: كتابشناسي حكيم ناصر خسرو قيادياني، انجمن آثار و مفاخر فرهنگي، تهران ١٣٧٢

ناصر خسرو: ديوان اشعار، تصحيح محتبي ميني و مهدي محقق، چاپ پنجم، دانشگاه تهران ١٣٧٨

نمازي شاهرودي، علي: مستدركات علم رجال الحديث، مطبعة الحيدري، تهران ١٤١٥ ق

نوري طبرسي، ميرزا حسين: خاتمه مستدرک الوسائل (الجزء الاول)، تحقيق مؤسسه آل البيت، قم ١٤١٥ ق

هانسبرگر، آيس سي: ناصر خسرو لعل بلخشان، ترجمه فريدون بدرهاي، نشر فرزاد روز، تهران ١٣٨٠

يادنامه ناصر خسرو، مقاله برتلس، آبي و مقاله يحيى خشاب: «ناصر خسرو الرجل و الحقيقه»، دانشگاه فردوسي، مشهد ١٣٥٥